

ISSN:2821-1588		https://www.jadm.khadu.ir	
	Journal of Air Defense Management Volume 4, Issue 15 Fall 2025 P.P. 103-128		
Research Paper			
Presenting a Policy Laboratory Model Based on Key Success Factors for the Promotion of Industrial Enterprises Amir Atarodian¹, Parvaneh Gholipour², Hojjat Zoghi Kodehi³ 1. PhD Technology Management, Faculty of Economics and Management University of Naples, Naples, Italy. E-mail: Amir.atarodian@unina.it 2. MSc, Business Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: Parvanehgholipour@gmail.com 3. PhD in Organizational Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: Zoghi57@yahoo.com			
Article Information		Abstract	
Received: 2025/05/06 Accepted: 2025/06/26	Background & Purpose: Policymaking requires innovative and evidence-based approaches. Policymaking laboratories provide a suitable platform for developing, testing, and evaluating these approaches. These laboratories help to improve the effectiveness and quality of policies by creating an interactive space between policymakers, researchers, and society. Also, utilizing key success factors enables these laboratories to provide more efficient solutions in facing policy challenges. Therefore, the purpose of the present study is to design a policymaking laboratory model based on key success factors for the promotion of industrial enterprises. Methodology: This qualitative research is of an applied nature in terms of purpose. Data were collected through semi-structured interviews with experts and managers, as well as a review of documentary sources, using purposive-theoretical sampling. The data obtained were analyzed using the data-based theory method and with the help of MaxQDA software. Findings: Based on data analysis, 6 core codes, 35 optional codes, and 137 open codes were extracted in the field of policy laboratories. Causal conditions include: inconsistency between prescriptive policies and the actual needs of the industry; decision-making processes based on macro and imprecise approaches; lack of empirical and scientific support in policy design; lack of effective cooperation between government and private institutions; limitations in human and financial resources; lack of alignment between industry activists and policymakers; lack of up-to-date and reliable data; and complexity of the economic environment. Other components are also systematically presented in the final model. Conclusion: The final model of this research, by identifying the main challenges and providing practical solutions, can play an effective role in improving the performance of Iranian industrial enterprises. This model, by emphasizing the key success factors, provides a suitable platform for the formation of a discourse among experts on various dimensions of the challenges of industrial enterprises. Following this model can also facilitate the policy-making process within the framework of policy laboratories.		
Keywords: Policy Lab, Key Success Factors, Industrial Development, Grounded Theory.			
Corresponding Author: Parvaneh Gholipour Email: Parvanehgholipour@gmail.com			
Citation: Atarodian, Amir; Gholipour, Parvaneh and Zoghi Kodehi, Hojjat.(2025). Presenting a Policy Laboratory Model Based on Key Success Factors for the Promotion of Industrial Enterprises. <i>Journal of Air Defense Management</i>, 4(15), 103-128.			



فصلنامه علمی مدیریت دفاع هوایی

دوره ۴، شماره ۱۵

پاییز ۱۴۰۴

صص ۱۲۸-۱۰۳



مقاله پژوهشی

ارائه مدل آزمایشگاه سیاست گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت جهت ارتقاء بنگاه های صنعتی

امیر عطاردیان^۱، پروانه قلی پور^۲، حجت ذوقی کودهی^۳

۱. دکتری مدیریت تکنولوژی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ناپل، ایتالیا. رایانامه: Amir.atarodian@unina.it

۲. کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: Parvanehgholipour@gmail.com

۳. دکتری کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: Zoghi57@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و هدف: سیاست گذاری نیازمند رویکردهایی نوآورانه و مبتنی بر شواهد است. آزمایشگاه های سیاست گذاری بستر مناسبی برای توسعه، آزمون و ارزیابی این رویکردها فراهم می کنند. این آزمایشگاه ها با ایجاد فضایی تعاملی میان سیاست گذاران، پژوهشگران و جامعه، به ارتقای اثربخشی و بهبود کیفیت سیاست ها یاری می رسانند. همچنین بهره گیری از عوامل کلیدی موفقیت، امکان ارائه راه کارهای کارآمدتر در مواجهه با چالش های سیاستی را در این آزمایشگاه ها فراهم می سازد. از این رو، هدف پژوهش حاضر طراحی مدل آزمایشگاه سیاست گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت برای ارتقای بنگاه های صنعتی است.

روش شناسی: این پژوهش کیفی از نظر هدف، ماهیتی کاربردی دارد. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با خبرگان و مدیران، و نیز بررسی منابع مستند، با بهره گیری از نمونه گیری هدفمند - نظری گردآوری شد. داده های به دست آمده با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و با کمک نرم افزار مکس کیودی ای تحلیل گردید.

یافته ها: بر اساس تحلیل داده ها، در حوزه آزمایشگاه های سیاست گذاری، ۶ کد محوری، ۳۵ کد انتخابی و ۱۳۷ کد باز استخراج شد. شرایط علی شامل مواردی نظیر: عدم انطباق میان سیاست های تجویزی و نیازهای واقعی صنعت؛ فرآیندهای تصمیم گیری مبتنی بر رویکردهای کلان و غیر دقیق؛ فقدان پشتوانه های تجربی و علمی در طراحی سیاست ها؛ نبود همکاری مؤثر میان نهادهای دولتی و خصوصی؛ محدودیت در منابع انسانی و مالی؛ فقدان هم راستایی میان فعالان صنعت و سیاست گذاران؛ کمبود داده های به روز و معتبر؛ و پیچیدگی محیط اقتصادی. سایر مؤلفه ها نیز در قالب مدل نهایی به صورت نظام مند ارائه شده اند.

نتیجه گیری: مدل نهایی این پژوهش، با شناسایی چالش های اصلی و ارائه راهکارهای کاربردی، می تواند در ارتقای عملکرد بنگاه های صنعتی ایران نقشی مؤثر ایفا کند. این مدل با تأکید بر عوامل کلیدی موفقیت، بستری مناسب برای شکل گیری گفتمان میان خبرگان در ابعاد مختلف چالش های بنگاه های صنعتی فراهم می سازد. پیروی از این مدل نیز می تواند به تسهیل فرایند سیاست گذاری در چارچوب آزمایشگاه های سیاست گذاری منجر شود.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۰۵

کلیدواژه ها:

آزمایشگاه های

سیاست گذاری،

عوامل کلیدی

موفقیت، نظریه

داده بنیاد.

نویسنده مسئول:

پروانه قلی پور

ایمیل:

Parvanehgholipour@gmail.com

استناد: عطاردیان، امیر؛ قلی پور، پروانه و ذوقی کودهی، حجت. (۱۴۰۴). ارائه مدل آزمایشگاه سیاست گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت جهت ارتقاء بنگاه های صنعتی. فصلنامه مدیریت دفاع هوایی، ۴(۱۵)، ۱۲۸-۱۰۳.

مقدمه

سیاست‌ها به‌عنوان راهنماهایی مدون برای اقدام و تصمیم‌گیری، در جهت تحقق اهداف مشخص عمل می‌کنند. این سیاست‌ها با ایجاد چارچوبی روشن، به تحلیل مسائل پیچیده و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه می‌پردازند. هدف اصلی از تدوین سیاست‌ها، تضمین انطباق اقدامات با اولویت‌ها و ارزش‌های حاکم، و نیز ایجاد شفافیت و انسجام در فرایندهای تصمیم‌گیری است. سیاست‌ها به تصمیم‌گیران و پژوهشگران کمک می‌کنند تا با رویکردی هماهنگ و نگاهی روشن، به حل چالش‌های پیش‌رو بپردازند و در نهایت به نتایجی پایدار و اثربخش دست یابند. این رویکرد ساختارمند، زمینه‌ساز اصلاح مستمر سیاست‌ها و فراهم‌کننده امکان ارزیابی دقیق‌تر آنهاست (الوانی و همکاران، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر، سیاست‌گذاری فرایندی پویا و مشارکتی است که با هدف ارزیابی و تدوین راهبردهایی برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی پیچیده انجام می‌شود. این فرایند شامل شناسایی دقیق مسئله، بررسی و تحلیل گزینه‌های مختلف سیاستی، پیش‌بینی پیامدهای هر گزینه و انتخاب مناسب‌ترین راهکار بر اساس فرصت‌ها و محدودیت‌هاست. هدف نهایی آن، ارائه راه‌حل‌هایی کارآمد و نوآورانه به تصمیم‌گیران است؛ راه‌حل‌هایی که به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی منتهی می‌شوند (لیواز^۱، ۲۰۲۱). در این مسیر، آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری بستری برای تعامل میان ذی‌نفعان، پژوهشگران و سیاست‌گذاران فراهم می‌سازند تا با تبادل نظر و هم‌اندیشی، سیاست‌هایی عادلانه‌تر و اثربخش‌تر طراحی شود. این آزمایشگاه‌ها با بهره‌گیری هم‌زمان از منابع محدود سرمایه‌ای و مالی، امکان مواجهه کارآمدتر با چالش‌های پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌کنند و احتمال شکست سیاست‌ها را به حداقل می‌رسانند. آزمایشگاه سیاست‌گذاری یکی از همین رویکردهای نوآورانه است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است (کشاورزان و همکاران، ۱۴۰۰).

آزمایشگاه سیاست‌گذاری فضایی تعاملی و نوآورانه است که با هدف ارزیابی، آزمون و طراحی سیاست‌های عمومی شکل گرفته است. این آزمایشگاه‌ها با بهره‌گیری از روش‌های علمی و داده‌محور، به بررسی مسائل پیچیده اقتصادی و اجتماعی می‌پردازند. ترکیبی از متخصصان حوزه‌های مختلف در این فضا گرد هم می‌آیند تا با همفکری و تبادل نظر، راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای چالش‌های موجود ارائه کنند. تمرکز اصلی این آزمایشگاه‌ها بر

^۱. Lewis

خلق سیاست‌هایی عادلانه، کارآمد و مبتنی بر شواهد است؛ سیاست‌هایی که با نیازهای واقعی جامعه سازگار بوده و قابلیت اجرا داشته باشند. هدف نهایی آنها، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و بهبود زندگی شهروندان در حوزه سیاست‌گذاری است (قاضی‌نوری و همکاران، ۱۴۰۰).

هرچند سیاست‌گذاری مبتنی بر آزمایشگاه‌ها به معنای ایجاد محیط‌های کوچک و کنترل‌شده برای بهبود و ارزیابی سیاست‌ها پیش از اجرای گسترده است، اما این رویکرد با جمع‌آوری نظام‌مند بازخوردها و داده‌ها، امکان تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر را برای سیاست‌گذاران فراهم می‌سازد و از بروز پیامدهای ناخواسته جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، طراحی سیاست‌هایی کارآمدتر و کم‌ریسک‌تر میسر می‌شود. از این رو، آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری می‌توانند نقش مهمی در موفقیت بنگاه‌های صنعتی ایران ایفا کنند. این آزمایشگاه‌ها با بررسی دقیق فرصت‌ها و چالش‌های موجود، به شناسایی سیاست‌های مؤثر در افزایش نوآوری، بهره‌وری و رقابت‌پذیری می‌پردازند. عواملی همچون بهبود زیرساخت‌ها، تسهیل دسترسی به فناوری‌های نوین و توسعه نیروی انسانی متخصص از جمله مواردی هستند که در این محیط‌ها می‌توانند ارزیابی و آزمون شوند. هدف اصلی، اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر شواهد و فراهم‌سازی زمینه رشد و توسعه پایدار بنگاه‌های صنعتی در کشور است (پورعزت، ۱۴۰۱).

افزون بر این، باید گفت که آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری با تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های بنگاه‌های صنعتی می‌توانند نقش مهمی در اجرای سیاست‌ها و شناسایی عوامل کلیدی موفقیت ایفا کنند. این آزمایشگاه‌ها با تمرکز بر حوزه‌هایی همچون افزایش بهره‌وری، توسعه فناوری، ارتقای نوآوری، تسهیل دسترسی به منابع مالی، تقویت همکاری صنعت و دانشگاه، و توسعه زیرساخت‌ها، به ارائه راهکارهای سیاستی اثربخش کمک می‌نمایند. چنین اقداماتی به ایجاد محیطی رقابتی و پویا منجر می‌شود و بنگاه‌های صنعتی را قادر می‌سازد تا به رشد پایدار دست یابند و در بازارهای جهانی عملکرد موفق‌تری داشته باشند (گلاو و همکاران، ۲۰۲۴).

علاوه بر این، مدیریت هزینه‌ها و ایجاد زنجیره تأمین کارآمد نیز از حوزه‌هایی است که این آزمایشگاه‌ها می‌توانند نقش محوری در بهبود آنها داشته باشند. همچنین، توسعه نیروی انسانی ماهر و متخصص و ایجاد فضای کسب‌وکار شفاف و رقابتی، از عوامل اساسی برای تحقق موفقیت پایدار در صنایع کشور محسوب می‌شوند. در نهایت، حمایت دولت از طریق ارائه مشوق‌ها و تسهیلات می‌تواند به تقویت این عوامل و رشد بنگاه‌های صنعتی ایران کمک شایانی نماید (برهانی و همکاران، ۲۰۲۴).

چالش‌های توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه به‌طور قابل توجهی متفاوت بوده و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و نهادی قرار دارند. در این کشورها، محدودیت‌های حکمرانی، کمبود ظرفیت‌ها و ضعف زیرساخت‌ها اجرای مؤثر سیاست‌های صنعتی را با دشواری مواجه می‌سازد. به بیان دیگر، توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه با شبکه‌ای پیچیده از موانع و چالش‌هایی روبه‌رو است که ریشه در عوامل اقتصادی، فناورانه، زیست‌محیطی و اجتماعی دارند. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها، ضعف حکمرانی و کیفیت نهادی است؛ زیرا ساختارهای ناکارآمد حکمرانی مانع از اثربخشی و کارآمدی سیاست‌های صنعتی می‌شوند (موسلی و همکاران، ۲۰۱۸).

بنگاه‌های صنعتی در ایران نیز از این قاعده مستثنا نیستند و افزون بر شرایط خاص داخلی، به‌شدت تحت تأثیر تلاطم‌ها و تغییرات محیط جهانی قرار دارند. از آنجا که هر سیاست در یک محیط پویا و چندبعدی بر مجموعه‌ای گسترده از عوامل اثر می‌گذارد، بنگاه‌های صنعتی نیز در مواجهه با سیاست‌گذاری‌ها تجربه‌ای منحصر به فرد خواهند داشت. از سوی دیگر، اثربخشی سیاست‌های اتخاذ شده به برداشت‌های شناختی ذی‌نفعان و سوگیری‌های ذهنی آنان وابسته است؛ بنابراین استفاده از آزمایشگاه سیاست‌گذاری به‌عنوان ابزاری ناظر و تسهیل‌گر، ضرورتی روزافزون پیدا می‌کند (قدسی و همکاران، ۲۰۱۸).

افزون بر این، فقدان بهره‌گیری از آزمایشگاه سیاست‌گذاری می‌تواند هزینه‌های سنگینی را به بنگاه‌های صنعتی کشور تحمیل کند. بر این اساس، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر - که به دنبال ارائه مدل آزمایشگاه سیاست‌گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت است - بیش از پیش آشکار می‌شود؛ چرا که هماهنگی میان این دو حوزه می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح رفاه اجتماعی و تسریع رشد اقتصادی کشور باشد.

علی‌رغم اهمیت این موضوع، تاکنون شاهد آغاز به کار گسترده یا شکل‌گیری جدی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری در حوزه بنگاه‌های صنعتی در ایران، و نیز توجه به ادغام آن‌ها با عوامل کلیدی موفقیت، نبوده‌ایم. هرچند در سطح جهانی نیز عمر استفاده از آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری چندان طولانی نیست و به‌طور کلی اطلاعات موجود در زمینه روش‌های ارزیابی سیاست‌ها و ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر این آزمایشگاه‌ها محدود است؛ اما با توجه به وضعیت کنونی بنگاه‌های صنعتی در ایران، ارائه یک مدل جامع و منسجم برای توسعه و به‌کارگیری این آزمایشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف صنعتی ضرورت دارد.

در این پژوهش، مقصود از آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری، مراکزی است که با بهره‌گیری از تحلیل داده‌ها و شواهد، به بررسی و ارزیابی سیاست‌های مرتبط با بنگاه‌های صنعتی می‌پردازند. عوامل کلیدی موفقیت نیز مجموعه‌ای از عناصر حیاتی - نظیر بهره‌وری،

نوآوری، کیفیت و غیره هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌پذیری و رشد این بنگاه‌ها ایفا می‌کنند. هدف پژوهش، شناسایی این عوامل و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن‌ها از طریق سیاست‌های مؤثر است. بر این اساس، مسئله اصلی تحقیق چنین صورت‌بندی می‌شود؛ مدل آزمایشگاه سیاست‌گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت در ارتقای بنگاه‌های صنعتی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی، ارائه مدل آزمایشگاه سیاست‌گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت است، ضروری است برخی از مفاهیم پایه به‌صورت تفکیک‌شده تشریح شوند:

سیاست‌گذاری؛ فرایندی است برای تدوین و اجرای تصمیمات و اقداماتی که با هدف

حل چالش‌ها و مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام می‌گیرد. این فرایند شامل شناسایی نیازها، تحلیل و ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین راه‌حل‌ها برای دستیابی به اهداف مشخص است. سیاست‌گذاری در سطوح مختلف - از ملی تا سازمانی و محلی - صورت می‌گیرد و هدف آن ایجاد تغییرات مثبت در جامعه می‌باشد. سیاست‌ها باید متناسب با منابع، شرایط و محدودیت‌های موجود طراحی شوند تا امکان تحقق اهداف فراهم شود. همچنین اصلاح و ارزیابی مستمر سیاست‌ها بخش جدایی‌ناپذیر این فرایند است و به افزایش اثربخشی و کارایی آن کمک می‌کند (الوانی و همکاران، ۱۴۰۳؛ کشاورز و همکاران، ۱۴۰۰).

آزمایشگاه سیاست‌گذاری؛ نهادی تحلیلی - پژوهشی است که به ارزیابی، بررسی و توسعه سیاست‌ها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌پردازد. این آزمایشگاه‌ها با بهره‌گیری از روش‌های داده‌محور و مبتنی بر شواهد، فرصت‌ها و چالش‌های موجود را شناسایی کرده و راهکارهای قابل‌اتکا را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهند. هدف اصلی آن‌ها ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری از طریق ایجاد ارتباط مؤثر میان سیاست‌گذاران، پژوهشگران و فعالان صنعتی است. آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری همچنین نقش مهمی در ترویج نوآوری و مشارکت در توسعه طرح‌های استراتژیک و برنامه‌های اجرایی دارند. این نهادها با ایجاد فضایی علمی و مستند، به افزایش اثربخشی و کیفیت گفت‌وگوهای سیاستی کمک کرده و در پاسخ به روند کند تبدیل پژوهش‌ها به سیاست‌های اجرایی شکل گرفته‌اند. از این‌رو، با استفاده از گفت‌وگوهای ساختاریافته و آزمایش سیاستی، به تولید مشترک گزینه‌های قابل اجرا می‌پردازند (قاضی نوری، ۱۴۰۰؛ پورعزت، ۱۴۰۱).

عوامل کلیدی موفقیت؛ نوعی رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی است که مجموعه‌ای از عناصر اصلی و تعیین‌کننده موفقیت سازمان را در سطوح مختلف تشریح می‌کند. در واقع،

عوامل حیاتی موفقیت به عنوان مؤلفه‌هایی شناخته می‌شوند که عدم تحقق آن‌ها می‌تواند سازمان را در دستیابی به اهداف کلان یا نتایج مورد انتظار استراتژی‌ها با شکست مواجه سازد. این عوامل شامل مشارکت ذی‌نفعان، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری، بهره‌گیری از داده‌ها، ارزیابی مستمر، سنجش عملکرد و موارد مشابه است (ویزراس و همکاران، ۲۰۰۵) (ویزراس^۱ و همکاران، ۲۰۰۵).

عوامل کلیدی موفقیت در سیاست‌گذاری به مجموعه‌ای از پیش‌نیازها، الزامات و شرایطی اشاره دارد که تحقق نتایج پایدار و اثربخش را در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها ممکن می‌سازد. این عوامل شامل شناسایی دقیق مسائل و چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ مسائلی که بازتاب‌دهنده نیازهای واقعی و بنیادی جامعه هستند (سلطان‌زاده و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین، تحلیل و گردآوری داده‌های معتبر و جلب مشارکت فعال ذی‌نفعان و بهره‌گیری از مشاوره آن‌ها، نقش مهمی در ارتقای کیفیت سیاست‌ها دارد. تدوین اهداف مشخص، دقیق و قابل سنجش، همراه با تعیین سازوکارهای پایش علمی و پیوسته روندها و نتایج، از دیگر عوامل کلیدی موفقیت در سیاست‌گذاری به‌شمار می‌روند. تقویت اراده سیاسی و توانایی ایجاد هماهنگی و همکاری میان نهادهای مختلف برای اجرای سیاست‌های مصوب، از پیش‌نیازهای تحقق اهداف سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. افزون بر این، برخورداری از سازوکارهای پاسخگویی و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات محیطی نیز می‌تواند به افزایش اثربخشی و کارآمدی سیاست‌ها کمک کند (خوبرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

پیشینه تجربی

محققان از جنبه‌های مختلف به مطالعه پرداخته‌اند. بدین منظور در ادامه به بررسی تحقیقات انجام شده در این حوزه پرداخته شده است.

پناهی و همکاران (۱۴۰۳) به طراحی فرایند آزمایشگاه سیاست‌گذاری سیاسی مبتنی بر آینده‌نگاری پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی شامل مراحل تعریف مسئله، تعیین اهداف شفاف، بدیل‌یابی، انتخاب، اجرا و ارزیابی است. در این مطالعه همچنین به تحلیل ساختار اجرایی سیاست در آینده، روند اجرای سیاست، سناریونویسی و چشم‌اندازسازی توجه شده است.

^۱. Viseras

^۲. Khoobroo

برهانی و همکاران (۱۴۰۱) با بهره‌گیری از رویکرد کیفی فراترکیب، الگویی برای طراحی آزمایشگاه خط‌مشی ارائه کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که مدل پیشنهادی شامل عناصر تشخیص مسئله، کارکنان، ذی‌نفعان، برنامه‌ها، محل و فضای فیزیکی است؛ عناصری که می‌توانند از طریق تبیین راه‌حل‌های کاربردی به حل مسائل کلان جامعه کمک کنند.

قاضی‌نوری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با محوریت آزمایشگاه‌های سیاستی: مفاهیم، ابزارها و کاربردها نشان داده‌اند که در این آزمایشگاه‌ها امکان اجرای سیاست‌ها در یک محیط شبیه‌سازی شده فراهم می‌شود؛ محیطی که موجب کاهش هزینه و زمان در مقایسه با شرایط واقعی است. آزمایشگاه‌های سیاستی در راستای تنظیم نهادی، تقویت یادگیری اجتماعی و سیاسی، و تحریک نوآوری به کار گرفته می‌شوند و مبتنی بر مدل «مارپیچ سه‌گانه» میان دولت، صنعت و دانشگاه عمل می‌کنند. این آزمایشگاه‌ها با بهره‌گیری از روش‌های نوین، به مواجهه و حل چالش‌های موجود می‌پردازند.

کشاورز و همکاران (۱۴۰۰) با تمرکز بر ارائه چارچوب‌ها و انواع مدل‌های سیاست‌گذاری، نشان داده‌اند که مدل‌های سیاست‌گذاری شامل مدل عقلانی، تغییرات تدریجی، سیستمی، تصمیم‌گیری اجتماعی، گروهی، فرایندی، نهادی، نخبگان و انتخاب عمومی است.

پورعزت (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان آزمایشگاه سیاست‌گذاری: آوردگاه آزمون خط‌مشی‌های عمومی، بیان می‌کند که آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری طیف گسترده‌ای از ابزارهای نوآورانه را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهند. این ابزارها شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی با حضور ذی‌نفعان و سیاست‌گذاران برای تحریک ایده‌های نوآورانه، گردآوری داده‌ها، و طراحی ابزارهای سیاست‌گذاری در فضای باز و به‌صورت آنلاین است.

دائو^۱ و همکاران (۲۰۲۵) به بررسی توسعه یک مدل یادگیری مبتنی بر آزمایشگاه از طریق محیط پلتفرم دیجیتال پرداختند. نتایج نشان داد که ایجاد یک محیط مجازی تعاملی، که امکان شبیه‌سازی سناریوهای واقعی سیاست‌گذاری را فراهم کند، ضروری است. این پلتفرم ابزارهایی برای تحلیل و گردآوری داده‌ها، مدل‌سازی نتایج احتمالی سیاست‌ها و ایجاد بستری برای تبادل نظر و همکاری میان ذی‌نفعان مختلف ارائه می‌دهد؛ امری که موجب ارتقای دانش و مهارت سیاست‌گذاران از طریق تجربه عملی و یادگیری از بازخوردها و نتایج

^۱. Dao

شبیه‌سازی‌ها می‌گردد.

بورهانی و همکاران (۲۰۲۴) مدلی برای طراحی آزمایشگاه خط‌مشی عمومی ارائه کردند. نتایج پژوهش نشان داد به دلیل پیچیدگی فرایند سیاست‌گذاری، ایجاد یک آزمایشگاه سیاست‌گذاری ضروری است تا بتوان به تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها پرداخت. این تحلیل چهار بعد کلیدی را برجسته کرد: سوابق طراحی آزمایشگاه خط‌مشی، مراحل اجرایی، اصول طراحی و نتایج حاصل از آن.

گلاو^۱ و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی ارزیابی عوامل حیاتی موفقیت، موانع و ابتکارات نگهداری در بنگاه‌های تولیدی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که تولید در چهار حوزه کلیدی نیازمند تقویت است: تحقیق و توسعه، آموزش مادام‌العمر کارکنان در تمامی سطوح، بهبود دسترسی به منابع مالی و افزایش نقش کارکنان و جوامع در ایجاد و بهره‌مندی از دستاوردهای تولید نوآورانه. این چالش‌ها را می‌توان از طریق سیاست‌های عمومی رفع کرد؛ سیاست‌هایی که شامل اقدامات در سطح کل اقتصاد، صنایع منفرد و تولیدکنندگان مستقل است و همچنین با تشویق کارکنان، کارفرمایان، اتحادیه‌ها و دولت، مسئولیت بهبود پایه تولید کشور به اشتراک گذاشته شده و همه‌ذی‌نفعان در دستاوردهای چنین پیشرفت‌هایی سهیم شوند.

کوماتسو^۲ و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی چالش‌های آزمایشگاه سیاست‌گذاری در بخش عمومی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که با توجه به محدودیت‌های زمانی و قدرت تصمیم‌گیری محدود این آزمایشگاه‌ها، پرورش فرهنگ طراحی به‌عنوان یک دستاورد امیدوارکننده شناسایی شده است. این فرهنگ، به‌عنوان ابزاری مولد برای تغییر سازمانی، ظرفیت میانجی‌گری بین تولید و مصرف محصولات و خدمات را فراهم می‌آورد. با این حال، چالش‌های موجود شامل فاصله‌ی آزمایشگاه از سازمان، جداسازی فعالیت‌های طراحی از موقعیت‌های استراتژیک‌تر و ناپایداری نسبی آن به‌عنوان یک دارایی سازمانی، ناشی از تلاش برای کسب مشروعیت سازمانی، هستند.

لوئیس (۲۰۲۱) نیز به بررسی محدودیت‌های آزمایشگاه سیاست‌گذاری پرداخت و نشان داد که این آزمایشگاه با محدودیت‌هایی نظیر محدودیت‌های مالی، انجام آزمایش‌های غیرواقعی، تعامل محدود و دسترسی محدود به داده‌های تجربی مواجه است. در عین حال، فرصت‌هایی از جمله امکان آزمایش نوآوری و جمع‌آوری بازخوردها را نیز فراهم می‌آورد. وی

^۱ Gelaw

^۲ Komatsu

همچنین ویژگی‌های این آزمایشگاه‌ها را از نظر اندازه، تمرکز، ساختار سازمانی و روش‌های بهره‌برداری تحلیل کرده است.

موسلی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی چالش‌ها و موانع یکپارچه‌سازی خدمات آزمایشگاهی در ایران از دیدگاه کارشناسان آزمایشگاهی پرداختند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش‌ها شامل عدم صرفه‌جویی در مقیاس، دسترسی ناعادلانه، فقدان درجه‌بندی، کیفیت پایین، و نبود راهبردهای ملی برای ایجاد شبکه یکپارچه آزمایشگاه‌ها است. سایر مسائل شامل ضوابط ایجاد آزمایشگاه‌ها، فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم، ضعف توانمندسازی بخش خصوصی و نبود استانداردسازی می‌باشند. بر این اساس، پژوهشگران پیشنهاد کردند که ایجاد زیرساخت‌های لازم و افزایش همکاری میان سازمان‌ها می‌تواند دسترسی به خدمات آزمایشگاهی را در قالب یک شبکه یکپارچه تسهیل نماید.

ویسنه^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نیز به بررسی فرصت‌ها و ضعف‌های سیاست‌های خوشه‌ای پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که این سیاست‌ها فرصت‌هایی مانند تسهیل نوآوری، کاهش هزینه‌ها و جذب استعدادها را فراهم می‌آورند، اما در عین حال با ضعف‌هایی از جمله خطر قفل شدن، عدم انعطاف‌پذیری و تسخیر رانت مواجه هستند.

قدسی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی اقتصاد ایران و چالش‌ها و فرصت‌های آن پرداختند. نتایج نشان داد که چالش‌های سازمان‌ها در دو سطح قابل تحلیل است: سطح ملی، شامل چالش‌های ساختاری نظیر فقدان راهبرد توسعه صنعتی، نبود دیدگاه صادرات‌محور و ضعف نهاد حقوق مالکیت؛ و سطح کلان، شامل مشکلاتی همچون وجود مقررات و تفسیرهای متعدد، عدم شفافیت فرایند رسیدگی به شکایات در بخش بیمه، مسائل مرتبط با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده و محدود بودن پایه‌های مالیاتی.

سلطان‌زاد و همکاران (۲۰۱۴) به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در سیاست‌گذاری علم و فناوری پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مدل ارائه‌شده شامل مواردی از قبیل شناسایی ذینفعان و مشارکت آن‌ها در سیاست‌گذاری، وجود قوانین و مقررات مناسب، تأمین نیازهای بازار، ساختار سازمانی منعطف، تقویت ظرفیت داخلی برای بهره‌برداری از فرصت‌های محیطی، توسعه زیرساخت‌های فناوری، دسترسی‌پذیری منابع، آموزش و یادگیری و توسعه ظرفیت انسانی است.

آگنور و همکاران (۲۰۱۳) سیاست عمومی و تحول صنعتی در فرآیند توسعه را بررسی

^۱. Mouseli

^۲. Vicente

کردند. یافته‌ها حاکی از آن بود که سیاست عمومی نقش مؤثری در تحول صنعتی دارد و عوامل کلیدی مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، کاهش هزینه‌های آموزشی و بهبود اجرای حقوق مالکیت، نقش مهمی در ارتقای نوآوری و ایجاد نیروی کار ماهر در اقتصادهای در حال توسعه ایفا می‌کنند.

بررسی پیشینه تجربی تحقیق نشان داد که آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری سابقه چندان طولانی ندارند و به همین دلیل، پیشینه تحقیقاتی گسترده‌ای نیز برای آن متصور نیست؛ با این حال، مهم‌ترین و مرتبط‌ترین مطالعات در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل پیشینه نشان می‌دهد که حضور آزمایشگاه‌ها در فرایند سیاست‌گذاری تأثیر مثبتی داشته است. اگرچه بسیاری از کشورها از این آزمایشگاه‌ها استفاده می‌کنند، اما ساختار واحد و استاندارد برای آن وجود ندارد و هر کشور با توجه به اهداف، کارکردها و بسترهای خود، روش‌های متفاوتی را به کار می‌گیرد.

از سوی دیگر، مدل منسجمی برای آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری در منابع علمی و مقالات مرتبط مشاهده نشد؛ بررسی مطالعات پیشین و اسناد مرتبط، شکاف موجود در این حوزه را تأیید می‌کند و ضرورت ارائه یک مدل جامع و منسجم برای آزمایشگاه سیاست‌گذاری را برجسته می‌سازد. هدف دیگر تحقیق حاضر، شناسایی و استفاده از عوامل کلیدی موفقیت در آزمایشگاه سیاست‌گذاری بوده است. با توجه به تأثیر متقابل دو حوزه دانشی، شواهدی مبنی بر بهره‌برداری از این عوامل در تحقیقات پیشین مشاهده شده است. در نتیجه، پیشینه تحقیق نوآوری و بدیع بودن اهداف تحقیق حاضر را تأیید می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و دارای ماهیت اکتشافی است. رویکرد پژوهش کیفی است، از این رو، به منظور پاسخ به سؤال تحقیق و دستیابی به هدف آن، از رویکرد نظریه داده‌بنیاد با روش استقرایی و اکتشافی استفاده شد. هدف اصلی این رویکرد، ایجاد نظریه‌ای نو از طریق جمع‌آوری، تحلیل و تجزیه نظام‌مند داده‌ها است (چارمز، ۲۰۱۵).

در این پژوهش، داده‌ها از منابع متنوع شامل کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق به دست آمد. جامعه آماری شامل ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی، سیاسی و صنعتی مرتبط با موضوع بود که دارای تجربیات اجرایی قابل توجه بودند. در این تحقیق، از نظریه داده‌بنیاد، همراه با روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری استفاده شد؛ بدین صورت که انتخاب نمونه‌ها هم‌راستا با جریان مصاحبه‌ها و داده‌های به‌دست‌آمده بود تا یافته‌های مصاحبه‌های بعدی تکمیل گردد. اشباع نظری پس از نهمین مصاحبه حاصل شد،

اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا دهمین نمونه ادامه یافت.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای نسخه ۲۰۲۰ انجام شد. در فرایند تحلیل، پژوهشگر بر مبنای نظریه داده‌بنیاد، به شناسایی مضامین تکراری، کدگذاری مضامین نوظهور با استفاده از عبارات و کلمات کلیدی، گروه‌بندی کدها در قالب مفاهیم و سپس طبقه‌بندی مفاهیم از طریق ایجاد ارتباط بین آن‌ها پرداخت.

برای اطمینان از پایایی، روش بازآزمون به کار گرفته شد و میزان پایایی مصاحبه‌ها بیش از ۹۰ درصد محاسبه گردید که نشان‌دهنده قابلیت کدگذاری قابل قبول است. همچنین، برای بررسی پایایی بین کدگذاری، فرد دیگری برخی از مصاحبه‌ها را کدگذاری کرد. به منظور تأمین روایی گام نخست پژوهش و تضمین دقت نتایج از دیدگاه نویسندگان، مصاحبه‌شوندگان و خوانندگان، اقدامات لازم انجام شد.

○ مشارکتی بودن پژوهش؛ در تحلیل و تفسیر داده‌ها، به‌طور هم‌زمان از مشارکت مصاحبه‌شوندگان بهره گرفته شد.

○ بازبینی توسط همکاران؛ سه نفر از اساتید حوزه سیاست‌گذاری، صنعت و اقتصاد، جهت ارزیابی یافته‌ها و ارائه نظر در چارچوب پارادایم کدگذاری محوری، مشارکت کردند.

○ تطبیق‌پذیری توسط مصاحبه‌کننده‌ها؛ مصاحبه‌کننده‌ها بازبینی کدگذاری محوری را انجام دادند و دیدگاه‌های خود را ارائه کردند؛ این نظرات در پارادایم کدگذاری محوری اعمال شد.

○ افشای سوگیری پژوهشگر؛ از آنجا که پژوهشگر در بنگاه‌های صنعتی ایران فعالیت دارد، تجربه‌های کاری، مبانی نظری و گرایش‌های فلسفی وی در تدوین این پژوهش بی‌تأثیر نبوده است. در مطالعات کیفی، سوگیری پژوهشگر بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند پژوهش است و پژوهشگر نمی‌تواند با ذهنی خالی (لوح سفید) عمل کند. بنابراین، تمایلات فلسفی و نظری و تجربیات زندگی پژوهشگر، به‌طور طبیعی وارد تحلیل داده‌ها شده است. علاوه بر این، فرایند تحلیل داده‌ها در این تحقیق در قالب «ابعاد شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، عوامل راهبردی و پیامدها» مدل‌سازی شد. در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده بر اساس فرایند کدگذاری انجام می‌شود که شامل کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، به بحث و بررسی نتایج حاصل با توجه به اهداف پژوهش پرداخته می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، فرایند تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و در چارچوب مدل پارادایمی انجام شد (کوربین، ۲۰۱۷).

کدگذاری باز؛ در این مرحله، داده‌های گردآوری‌شده به بخش‌های قابل مدیریت و

تحلیل تفکیک می‌شوند. این کار از طریق مقایسه مستمر و فرآیند انتزاع انجام می‌گیرد تا مفاهیمی استخراج شوند که بتوانند اساس و الزامات هر بخش را روشن سازند و به شکل‌گیری طبقه‌بندی‌ها کمک کنند. در پژوهش حاضر، فرایند کدگذاری باز به استخراج ۱۳۷ کد منجر شد که از چندین دور مقایسه، تحلیل و تجزیه داده‌ها حاصل گردید. نمونه‌ای از روند شکل‌گیری این کدها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

کدگذاری محوری؛ پس از کدگذاری باز، در کدگذاری محوری به تحلیل و بازنگری مقولات استخراج‌شده پرداخته شد و روابط داخلی میان دسته‌ها (طبقات) شناسایی گردید. تحلیل و بررسی‌ها نشان داد که کدگذاری انتخابی منجر به شکل‌گیری ۳۵ کد در قالب ۶ مقوله اصلی شد که مدل تحقیق بر اساس آن شکل گرفت. نتایج این مرحله در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

کدگذاری انتخابی؛ این مرحله به‌عنوان یک فرایند نظام‌مند، برای گزینش مقولات اصلی، مرتبط ساختن آن‌ها با یکدیگر، پر کردن خلأها و اعتبارسنجی روابط میان مقوله‌ها انجام شد. در این فرایند، مقوله‌های اصلی، داده‌ها و مفاهیم مجدداً مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفتند تا طبقه‌بندی نهایی شکل گیرد و نیازی به ویرایش اضافی نباشد. بر این اساس، روابط میان مقولات در قالب شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی شد و در جدول ۳ ارائه گردید. شکل ۱ نیز مدل کیفی آزمایشگاه سیاست‌گذاری را به‌عنوان رویکردی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه‌ای کدهای باز و گزاره‌های کلامی مربوطه

ردیف	مصاحبه‌ها	نمونه گزاره‌های کلامی	کدگذاری باز	تکرار
۱	۴-۱	در آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری، به‌ویژه در زمینه توسعه صنعتی، می‌تواند به مثابه سدی در برابر پیشرفت و نوآوری عمل کند. اتخاذ رویکردهای سنتی و عدم توانایی در انطباق با شرایط متغیر اقتصادی، فناوری و اجتماعی، موجب می‌شود سیاست‌ها از اثربخشی لازم برخوردار نباشند و نتوانند به اهداف توسعه صنعتی دست یابند. این مسئله، به‌ویژه در شرایط پویای اقتصاد جهانی و تغییرات سریع فناوری، اهمیت رویکردی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت را برجسته می‌سازد. شناسایی و تمرکز بر این عوامل، امکان ایجاد سیاست‌هایی منعطف، پویا و سازگار با نیازهای روز را فراهم می‌آورد. در نهایت، انعطاف‌پذیری سیاست‌ها، تضمینی برای افزایش رقابت‌پذیری صنایع، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ایجاد اشتغال پایدار خواهد بود که همگی از ارکان اصلی توسعه صنعتی به شمار می‌روند.	عدم انعطاف‌پذیری سیاست‌ها	۱۱
۲	۷-۱۰-۵	در آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری می‌تواند مانع جدی در مسیر ارتقای توسعه صنعتی باشد. این اختلافات، از عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف و قوانین نامتناسب ناشی می‌شود که موجب بروز نقص در توسعه و اجرای سیاست‌ها می‌گردد. برای مقابله با این چالش‌ها،	اختلافات ساختاری و قانونی	۱۵

		اتخاذ رویکردی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت ضروری است تا با شناسایی و حل مسائل ساختاری و قانونی، به بهبود تعاملات بین‌سازمانی و تسهیل فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک شود. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک چارچوب سیاست‌گذاری یکپارچه و کارآمد منجر شود که قابلیت پاسخگویی به نیازهای صنعت را به بهترین شکل ممکن فراهم آورد.		
۳	۳-۶-۹	یکی از چالش‌های اساسی در آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری است که مانع از تحقق اهداف توسعه صنعتی می‌شود. تخصیص غیربهینه منابع مالی و انسانی، موجب کاهش کارایی پروژه‌ها و سیاست‌های صنعتی می‌گردد. اتخاذ رویکردی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت می‌تواند با شناسایی اولویت‌ها و نیازهای واقعی، به تخصیص بهینه منابع و افزایش اثربخشی سیاست‌های توسعه صنعتی کمک کند.	عدم هماهنگی در تخصیص منابع	۱۰
۴	۸-۴-۲	یک چالش بزرگ، اثربخشی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری را در توسعه صنعتی کاهش می‌دهند. این محدودیت‌ها دسترسی به فناوری، مواد اولیه و سرمایه را دشوار کرده و نوآوری را مختل می‌کنند. برای مقابله با این موانع، رویکردی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت ضروری است تا با شناسایی فرصت‌های داخلی، تقویت تولید ملی و ایجاد شراکت‌های بین‌المللی جایگزین، اثرات منفی تحریم‌ها را کاهش داد و به توسعه صنعتی ادامه داد.	تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی	۱۳
۵	۶-۲-۹	مانعی جدی برای عملکرد بهینه آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری در توسعه صنعتی محسوب می‌شوند. این موانع اداری، فرآیند تصمیم‌گیری را کند کرده، هزینه‌ها را افزایش داده و نوآوری را خفه می‌کنند. برای رفع این مشکل، رویکردی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت با تمرکز بر ساده‌سازی فرآیندها، شفاف‌سازی مقررات و ایجاد یک محیط اداری چابک و کارآمد، می‌تواند به تسهیل فعالیت‌های توسعه صنعتی و افزایش اثربخشی سیاست‌ها کمک کند.	مقررات اداری دست‌وپاگیر و بوروکراسی پیچیده	۸

گام دوم، مرحله‌ی کدگذاری محوری است؛ در این مرحله، کدهای باز مقدماتی بر اساس ماهیت پدیده‌ی محوری مورد بررسی، در گروه‌های از پیش تعیین‌شده سازماندهی می‌شوند. این گروه‌ها شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، پدیده محوری، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها هستند. جدول (۲) نمونه‌ای از این کدگذاری محوری را نمایش می‌دهد.

جدول ۲. خلاصه‌ای از کدگذاری محوری

ردیف	طبق محوری	نمونه کد باز
۱	شرایط علی	تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی
۲		کمبود منابع مالی
۳		عدم بهره‌مندی از تجربیات بین‌المللی
۴		عدم توازن در تخصیص منابع
۵		اختلافات ساختاری و قانونی
۶		نوسانات بازار و تثبیت اقتصادی

بر اساس جدول شماره ۳، مشاهده می‌شود که طبقه‌بندی مبتنی بر مدل پارادایم با درجه نسبتاً قابل توجهی انجام شده است؛ با این حال، برای دستیابی به چارچوب نهایی، گام دیگری نیز ضروری است. آخرین مرحله، کدگذاری انتخابی است که به شناسایی طبقه‌ها منجر می‌شود و در نتیجه، زمینه شکل‌گیری چارچوب نهایی نظریه داده بنیاد فراهم می‌آید. در این مرحله، سازه‌ها به شکلی جامع‌تر توسعه یافته و روابط میان آن‌ها شکل می‌گیرد که در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی تحقیق حاضر

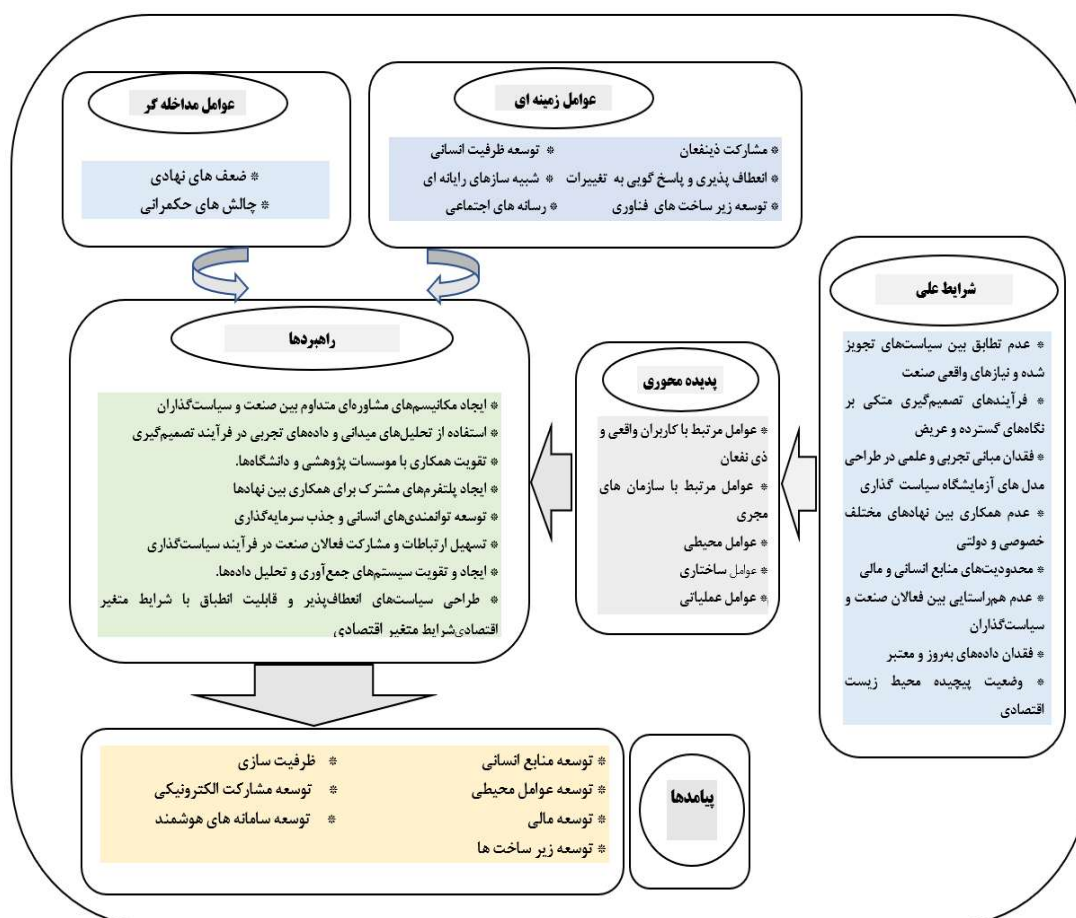
مقوله‌ها	طبقات انتخابی	کدهای باز
شرایط علی	عدم تطابق بین سیاست‌های تجویز شده و نیازهای واقعی صنعت	عدم آشنایی با نیازهای واقعی موجود صنعت
		عدم انعطاف‌پذیری سیاست‌ها
		عدم توازن در تخصیص منابع
		کمبود ارتباطات بین بخشی
	تصمیم‌گیری متکی بر نگاه‌های عریض و گسترده	شمولیت ذینفعان
		تحلیل جامع و چندبعدی
		استفاده از شواهد و داده‌های معتبر
		انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری
	فقدان مبانی تجربی و علمی در طراحی مدل‌های آزمایشگاه سیاست‌گذاری	کمبود داده‌های معتبر و پایدار
		کمبود پژوهش‌های تجربی و کاربردی
		عدم بهره‌مندی از تجربیات بین‌المللی
		عدم انطباق با شرایط محلی
	عدم همکاری بین نهادهای مختلف خصوصی و دولتی	عدم وجود یک استراتژی مشترک
		اختلافات ساختاری و قانونی
		عدم اعتماد و ارتباطات ناکافی
		عدم هماهنگی در تخصیص منابع
	محدودیت‌های منابع انسانی و مالی	کمبود منابع مالی
		فقدان نیروی انسانی متخصص
		عدم بهره‌وری منابع موجود
		چالش‌های جذب سرمایه‌گذاری
	عدم هم‌راستایی بین فعالان صنعت و سیاست‌گذاران	تفسیر متفاوت از نیازهای صنعت
		کمبود ارتباطات مؤثر
		عدم هم‌راستایی اهداف
		فقدان بازخورد فعال
	فقدان داده‌های به‌روز و	ضعف در سیستم‌های جمع‌آوری و ثبت داده

معتبر	محدودیت در دسترسی به داده‌ها	وضعیت پیچیده محیط زیست اقتصادی
	عدم به‌روزرسانی منظم داده‌ها	
	مشکلات مربوط به کیفیت داده‌ها	
	تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی	
	نوسانات بازار و تثبیت اقتصادی	
	عدم مدیریت منابع انسانی و سرمایه	
کاربران و ذی‌نفعان	ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری	پدیده محوری
	فقدان تخصص و مهارت لازم	
	گروه‌های هدف و استفاده‌کنندگان سیاست‌ها	
سازمان‌های مجری	مقررات اداری و بورکراسی	
	فقدان منابع و ابزارهای اجرای سیاست‌ها	
	فقدان ظرفیت و توانایی تخصصی سازمان مجری	
عوامل محیطی	چرخه‌های بازخورد منفی	
	فقدان معیارهای مشخص	
عوامل ساختاری	مشکلات ادغام	
	محیط‌های سیاست‌گذاری نامطمئن	
عوامل عملیاتی	دشواری‌های تعامل فرابخشی	
	تخصیص منابع	
مشارکت ذینفعان	شناسایی و دسته‌بندی ذینفعان	عوامل زمینه‌ای
	ایجاد سازوکارهای مشارکتی	
	ارائه بازخورد و شفافیت در فرآیند	
انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به تغییرات	مکانیزم‌های نظارتی و ارزیابی مستمر	
	ایجاد فرآیندهای بازخورد و یادگیری سازمانی	
	توسعه فرهنگ نوآوری و خلاقیت	
توسعه زیرساخت‌های فناوری	توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی	
	توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری	
	توسعه زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی	
توسعه ظرفیت انسانی	توسعه مهارت‌های رهبری و مدیریت	
	ایجاد و تقویت شبکه‌های همکاری و تبادل دانش	
شبیه‌سازهای رایانه‌ای	توسعه مدل‌های شبیه‌سازی جامع و یکپارچه	
	توسعه رابط کاربری آسان و بصری	
رسانه‌های اجتماعی	افزایش مشارکت عمومی و تعاملات اجتماعی	
	ترویج شفافیت و پاسخ‌گویی	
	تحلیل داده‌ها و استخراج بینش‌ها	

عوامل مداخله گر	ضعف‌های نهادی	ضعف در شبکه‌سازی
		چارچوب‌های ناکافی
	چالش‌های حکمرانی	فقدان یادگیری سیستماتیک
		رقابت میان نهادها
راهنماها	ایجاد مکانیسم‌های مشاوره‌ای متداوم بین صنعت و سیاست‌گذاران	تشکیل شوراهای مشورتی تخصصی
		ایجاد پلتفرم‌های آنلاین تعاملی
		برگزاری نشست‌ها و همایش‌های دوره‌ای
	استفاده از تحلیل‌های میدانی و داده‌های تجربی در فرآیند تصمیم‌گیری	انجام مطالعات موردی و بررسی‌های میدانی
		استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و تحلیل داده
		انجام آزمایش‌های سیاستی و ارزیابی اثرات
	قویت همکاری با موسسات پژوهشی و دانشگاه‌ها	استفاده از توانمندی‌های آموزشی
		توسعه پروژه‌های تحقیقاتی مشترک
		ایجاد شبکه‌های همکاری
	ایجاد پلتفرم‌های مشترک برای همکاری بین نهادها	پلتفرم‌های دیجیتال و فضای مجازی
		پلتفرم‌های فیزیکی و رویدادهای مشترک
		شبکه‌های تخصصی و همکاری‌های بین‌المللی
	توسعه توانمندی‌های انسانی و جذب سرمایه‌گذاری	آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص
		تسهیل‌گری و حمایت از سرمایه‌گذاران
		ایجاد نهادهای واسط و شبکه‌های مشاوره
	تسهیل ارتباطات و مشارکت فعالان صنعت در فرآیند سیاست‌گذاری	ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان ذینفعان
		برگزاری مشاوره‌ها و جلسات مشارکتی
		استفاده از فناوری‌های نوین برای تسهیل ارتباطات
	ایجاد و تقویت سیستم‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها.	توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و داده‌ها
		طراحی سیستم‌های تحلیل پیشرفته
		ایجاد فرهنگ مدیریت داده
پیامدها	توسعه منابع انسانی	آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی
		ایجاد بسترهای همکاری و تبادل دانش
		ایجاد سیستم‌های ارزیابی و پاداش
	توسعه عوامل محیطی	تحلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی
		بررسی نهادهای حقوقی و قانونی
		توجه به محیط زیست و پایداری
	توسعه مالی	دسترس‌پذیری و تنوع منابع مالی
		توسعه سیستم‌های تأمین مالی مبتنی بر نوآوری

ایجاد مشوق‌های مالی و حمایتی برای سرمایه‌گذاران		
توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل	توسعه زیر ساخت‌ها	
توسعه زیرساخت‌های انرژی		
توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات		
پیش‌بینی تغییرات و تحولات آینده	ظرفیت‌سازی	
طراحی و توسعه برنامه و پروژه‌ها، تامین و مدیریت منابع مورد نیاز		
کاربست درس آموخته شده در فعالیتهای آینده و توسعه ظرفیت‌ها		
ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای همکاری	توسعه مشارکت الکترونیکی	
تسهیل دسترسی به اطلاعات و دانش		
توسعه برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی آنلاین		
استفاده از اینترنت اشیا در صنایع	توسعه سامانه‌های هوشمند	
تحلیل داده‌های کلان و یادگیری ماشین		
سیستم‌های اتوماسیون صنعتی و رباتیک		

در شکل شماره‌ای (۱) ارتباط میان عنصرهای چهارچوب به صورت ذیل ارائه داده شده است.



شکل ۱. مدل آزمایشگاه سیاست‌گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت جهت ارتقاء بنگاه‌های صنعتی

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل آزمایشگاه سیاست‌گذاری مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت در ارتقای بنگاه‌های صنعتی ایران است؛ مدلی که به ایجاد یک اکوسیستم صنعتی پویا و کارآمد کمک می‌کند تا بنگاه‌ها بتوانند به صورت مستمر رشد کنند، توسعه یابند و در سطح جهانی به رقابت بپردازند. مدل پیشنهادی، ابعاد و شرایط مرتبط با موضوع تحقیق را دربر می‌گیرد و قابلیت به کارگیری در بنگاه‌های صنعتی مرتبط با این حوزه را داراست.

این مدل، بر پایه رویکردی جامع و فراگیر طراحی شده و با شناخت پیچیدگی‌های محیط کسب و کار، بر تعاملات سازمانی و توانایی سازگاری با تغییرات تأکید دارد. برخلاف رویکردهای سنتی مبتنی بر فرایندهای خطی، این مدل بر ایجاد نظامی انعطاف‌پذیر و پاسخگو به نیازهای متغیر بازار متمرکز است. توسعه سیستم‌های هوشمند تصمیم‌گیری، تقویت ارتباطات درون سازمانی و افزایش شفافیت فرایندها از ارکان مهم این الگو به شمار می‌روند. همچنین، مدل پیشنهادی به شناسایی و رفع موانع نوآوری و توسعه—مانند مقاومت در برابر تغییر و کمبود مهارت‌های موردنیاز کارکنان—می‌پردازد. این رویکرد با بهره‌گیری از مشارکت فعال ذی‌نفعان، شامل کارکنان، مدیران، مشتریان و تأمین‌کنندگان، تلاش می‌کند کیفیت تصمیم‌گیری‌ها را ارتقا دهد، نوآوری را افزایش دهد و در نهایت عملکرد کلی بنگاه را بهبود بخشد.

از سوی دیگر، مدل بر شکل‌دهی فرهنگ سازمانی مبتنی بر یادگیری، انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط جدید تأکید دارد. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ابزارهای تحلیلی پیشرفته، بنگاه‌ها را قادر می‌سازد تا به تغییرات محیطی واکنش مؤثر نشان دهند و از فرصت‌های نوظهور بهره‌برداری کنند. این رویکرد نوین، راه را برای حضور فعال و موفق بنگاه‌ها در بازارهای رقابتی امروز هموار می‌سازد. این مدل با درک ضرورت فزاینده صنایع برای افزایش بهره‌وری و سازگاری با تحولات سریع بازار، طراحی شده است. در شرایطی که رقابت جهانی پیچیده‌تر شده و فناوری‌ها با سرعت بالا دگرگون می‌شوند، بنگاه‌ها به رویکردی جامع، داده‌محور و نوآورانه نیاز دارند. مدل ارائه‌شده، با تمرکز بر تعاملات درون سازمانی، استفاده از فناوری‌های نوین، تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها و پیش‌بینی روندهای بازار، به دنبال افزایش راندمان، کاهش هزینه‌ها و تقویت ظرفیت نوآوری است. در نهایت، توسعه مهارت‌های کارکنان و ایجاد فرهنگ سازمانی نوآورانه نیز از عناصر کلیدی این مدل محسوب می‌شود؛ عناصری که بنگاه‌ها را در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو توانمند ساخته و

آنها را برای دوام و پیشرفت در بازار رقابتی امروز آماده می‌کنند.

در پژوهش حاضر، برای ارائه مدل، از رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. بدین منظور با ۱۰ نفر از خبرگان، مدیران و کارشناسان ارشد بنگاه‌های صنعتی فعال و مرتبط در این حوزه در ایران مصاحبه انجام گرفت. بر اساس مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، در مرحله کدگذاری باز ۱۳۷ کد اولیه و در مرحله کدگذاری گزینشی ۳۵ کد شناسایی شد که نهایتاً در قالب ۶ مقوله محوری سامان‌دهی و مدل تحقیق ارائه گردید.

در بخش شرایط علی، ۸ مقوله اصلی شناسایی و در جدول شماره ۳ ارائه شده‌اند. با توجه به نوظهور بودن موضوع، آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری با چالش‌های متعددی مواجه‌اند و این یافته با نتایج پژوهش‌های اخذیات (۲۰۲۵)، روسونی (۲۰۲۴)، آلدردیس (۲۰۱۳) و هاوالت (۲۰۲۵) هم‌راستا است. بر اساس نتایج، برای بنگاه‌های صنعتی پیشنهاد می‌شود به بررسی و شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، انجام ممیزی‌ها و ارائه بازخورد درباره خطاهای برچسب‌گذاری پرداخته و همچنین با توجه به اقتصاد مقیاس در جهت کاهش شکاف میان سیاست‌های تجویز شده و واقعیات اجرایی اقدام کنند.

همچنین ایجاد شورای سیاست‌گذاری راهبردی متشکل از متخصصان حوزه‌های مختلف جهت ارائه دیدگاه‌های چندوجهی در فرآیند تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌شود. تأسیس مراکز تحقیقات کاربردی سیاست‌گذاری با هدف انجام مطالعات علمی و تجربی درباره اثربخشی سیاست‌های صنعتی، با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی معتبر داخلی و خارجی نیز توصیه می‌گردد. علاوه بر این، تشکیل مجامع تعاملی صنعت و دولت به‌عنوان یک پلتفرم رسمی برای تسهیل همکاری و گفت‌وگو—متشکل از نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، وزارتخانه‌ها، انجمن‌های صنعتی و سازمان‌های دولتی—به‌عنوان یکی از الزامات مطرح شده است. ایجاد صندوق توسعه منابع انسانی سیاست‌گذاری برای جذب و آموزش متخصصان این حوزه، و همچنین صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر سیاست‌گذاری برای تأمین مالی پروژه‌های نوآورانه نیز قابل توصیه است. در ادامه، تدوین برنامه تبادل تجربیات صنعت و سیاست‌گذاری، به‌گونه‌ای که فعالان صنعت بتوانند برای مدتی کوتاه در سازمان‌های دولتی فعالیت کنند، پیشنهاد می‌شود. همچنین ایجاد مراکز ملی آمار و اطلاعات صنعتی با هدف گردآوری، تحلیل و انتشار داده‌های معتبر و روزآمد مورد تأکید است. در نهایت، ایجاد واحد ارزیابی اثرات محیطی سیاست‌ها در وزارت صنعت، معدن و تجارت، با هدف کاهش پیامدهای منفی سیاست‌های صنعتی، ضروری به نظر می‌رسد.

پدیده محوری این پژوهش شامل پنج مقوله اصلی است. عوامل مرتبط با کاربران و

ذی‌نفعان به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی آزمایشگاه سیاست‌گذاری شناسایی و تأیید شده است. این یافته با پژوهش‌های جنی (۲۰۲۱)، آلدردیس (۲۰۱۳)، تزیاکو (۲۰۲۳) و جونر (۲۰۲۴) هم‌خوانی دارد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران با برگزاری جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی منظم برای ذی‌نفعان کلیدی، ایجاد کانال‌های ارتباطی دوطرفه، انتشار گزارش‌های دوره‌ای از فعالیت‌ها و نتایج، و به‌کارگیری روش‌های نظرسنجی و دریافت بازخورد، زمینه مشارکت مؤثر و آگاهی‌بخشی مستمر را فراهم سازند.

همچنین عوامل مرتبط با سازمان‌های مجری به‌عنوان یکی دیگر از چالش‌های آزمایشگاه سیاست‌گذاری مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه نیز با یافته‌های جنی (۲۰۲۱)، آلدردیس (۲۰۱۳)، ویسنته (۲۰۱۸)، موسلی (۲۰۱۸)، لوئیس (۲۰۲۱) و کوماتسو (۲۰۲۱) هم‌راستاست. بر این مبنای، انجام ارزیابی جامع از وضعیت موجود سازمان‌های مجری با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف توصیه می‌شود. افزون بر این، ایجاد مراکز پشتیبانی تخصصی و فنی برای ارائه خدمات مشاوره‌ای، فنی و آموزشی، تخصیص منابع مالی کافی به‌منظور تأمین تجهیزات، نرم‌افزارها و فناوری‌های موردنیاز، و راه‌اندازی نظام ارزیابی عملکرد و پاداش‌دهی به‌منظور ترغیب سازمان‌های مجری به بهبود عملکرد، از اقدامات کلیدی پیشنهادی محسوب می‌شود.

عوامل محیطی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری به شمار می‌رود. این یافته با نتایج پژوهش‌های جنی (۲۰۲۱)، آلدردیس (۲۰۱۳)، ویسنته (۲۰۱۸)، موسلی (۲۰۱۸)، لوئیس (۲۰۲۱) و کوماتسو (۲۰۲۱) هم‌راستا است. بر این اساس، شناسایی و تحلیل عوامل محیطی کلیدی مانند نوسانات اقتصادی، تغییرات قوانین و مقررات، و تحولات فناوری ضروری است. همچنین، تدوین سناریوهای محتمل برای پیش‌بینی آثار این عوامل، طراحی برنامه‌های اقتضایی برای کاهش پیامدهای منفی، برقراری تعامل مؤثر با نهادهای دولتی و خصوصی جهت اثرگذاری بر سیاست‌ها و مقررات، و ایجاد نظام پایش و ارزیابی مستمر برای سنجش اثربخشی اقدامات پیشنهادی، توصیه می‌شود.

عوامل ساختاری نیز یکی دیگر از چالش‌های اساسی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری است. این نتیجه با پژوهش‌های جنی (۲۰۲۱)، آلدردیس (۲۰۱۳)، ویسنته (۲۰۱۸)، موسلی (۲۰۱۸)، لوئیس (۲۰۲۱) و کوماتسو (۲۰۲۱) هم‌خوانی دارد. در این راستا، ارزیابی ساختار سازمانی موجود برای شناسایی مشکلاتی همچون تداخل وظایف، عدم هماهنگی و بوروکراسی ضرورت دارد. همچنین، طراحی ساختار سازمانی بازطراحی‌شده بر اساس اهداف، مأموریت‌ها و فرآیندهای اصلی آزمایشگاه، تعریف دقیق نقش‌ها و مسئولیت‌ها برای افراد و

واحدها، و ایجاد سازوکارهای مؤثر برای همکاری و هماهنگی بین بخش‌های مختلف توصیه می‌شود.

در نهایت، عوامل عملیاتی نیز از چالش‌های اصلی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. این یافته نیز با مطالعات جنی (۲۰۲۱)، آلدردیس (۲۰۱۳)، ویسنه (۲۰۱۸)، موسلی (۲۰۱۸)، لوئیس (۲۰۲۱) و کوماتسو (۲۰۲۱) هم‌سو است. بر این اساس، شناسایی و تحلیل فرآیندهای عملیاتی کلیدی همچون گردآوری و تحلیل داده‌ها، مدل‌سازی و شبیه‌سازی، و ارزیابی سیاست‌ها اهمیت دارد. همچنین، بهینه‌سازی فرآیندها با بهره‌گیری از رویکرد مدیریت کیفیت جامع و مهندسی مجدد، استانداردسازی فرآیندها و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی، استقرار نظام مدیریت دانش برای ثبت و انتقال تجربیات، و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای اتوماسیون و ارتقای کارایی فرآیندهای عملیاتی توصیه می‌شود.

شرایط زمینه‌ای شامل شش مقوله اصلی است. این نتایج با یافته‌های هیوارد (۲۰۲۵)، مطهر (۲۰۲۵)، سلطان‌زاده (۲۰۱۴) و خو برو (۲۰۱۹) هم‌خوانی دارد. در همین راستا، ایجاد پلتفرم‌های مشارکت چندجانبه، استقرار سیستم‌های هشداردهی سریع برای رصد مستمر تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پیشرفته فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشنهاد می‌شود. همچنین، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی برای توانمندسازی کارکنان و علاقه‌مندان، بهره‌گیری از شبیه‌سازهای رایانه‌ای جهت ارزیابی و مدل‌سازی سیاست‌های جدید و استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای تعمیق تعامل با عموم مردم و ذی‌نفعان توصیه می‌گردد.

عوامل مداخله‌گر متشکل از دو مقوله اصلی شامل ضعف‌های نهادی و چالش‌های حکمرانی است. این یافته‌ها با مطالعات موسلی (۲۰۱۸)، کوماتسو (۲۰۲۱) و جنی (۲۰۲۱) هم‌راستا می‌باشد. بر این اساس، ایجاد یک وب‌سایت تعاملی به‌عنوان مرجع اصلی دسترسی به اطلاعات، راه‌اندازی تالارهای گفت‌وگو، ایجاد نهاد سیاست‌گذاری پاسخ‌گو و چابک، و استقرار سامانه حکمرانی شفاف و مشارکتی پیشنهاد می‌شود.

راهبردها دربرگیرنده هفت مقوله اصلی هستند که در جدول ۳ ارائه شده‌اند. این یافته‌ها با پژوهش‌های کروگ (۲۰۲۴)، وایزنفلد (۲۰۲۴)، پربانیچ (۲۰۲۳) و دی مارکی (۲۰۱۶) هم‌خوان است. در این راستا، تشکیل کمیته‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف صنعتی، برگزاری نشست‌های منظم فصلی یا سالانه با حضور اعضا برای بررسی مسائل کلان توسعه صنعتی و ارائه راهکارها، افزایش مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند سیاست‌گذاری، برگزاری

کارگاه‌های تخصصی و به‌کارگیری هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای پیش‌بینی تأثیرات سیاست‌ها و شناسایی فرصت‌های نوظهور توصیه می‌شود.

پیامدها شامل هفت مقوله‌ی اصلی در جدول (۳) ارائه شده‌اند. این یافته با نتایج مطالعات دائو (۲۰۲۵)، آگنور (۲۰۱۳)، باتاچاریا (۲۰۲۴) و مارکی (۲۰۱۶) هم‌راستا است. بر این اساس، به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود نسبت به ایجاد برنامه‌های کارآموزی صنعتی-دانشگاهی، اجرای مشوق‌های مالیاتی سبز، راه‌اندازی صندوق‌های تضمین سرمایه‌گذاری خطرپذیر صنعتی، سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های هوشمند در مناطق صنعتی، ایجاد مراکز پایلوت در حوزه‌های منتخب، طراحی پلتفرم‌های مشارکت الکترونیکی میان صنعت و دولت و ارائه تسهیلات مالی و فنی به صنایع اقدام نمایند. در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد‌های کاربردی زیر برای ارتقای عملکرد بنگاه‌های صنعتی ارائه می‌گردد؛

○ همکاری و تعامل با آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری و سازمان‌های بین‌المللی جهت یادگیری از تجربیات جهانی.

○ تدوین چارچوبی جهت نظارت و ارزیابی برای تحقق عملیات و اهداف آزمایشگاه.

○ برگزاری سمینارها، کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی جهت ارتقای مهارت‌های و دانش ذینفعان.

○ طراحی پلتفرم‌های آنلاین جهت تبادل نظرات و اطلاعات میان فعالان صنعت و ذینفعان.

○ طراحی آزمایش‌های سیاستی کوچک در محیط‌های کنترل‌شده جهت ارزیابی تأثیر راهبردهای پیشنهادی.

○ پیاده‌سازی تحقیقات موردی جهت شناسایی بهترین شیوه‌ها و سیاست‌ها از مناطق و کشورها موفق.

○ طراحی سیستم‌های جامع جهت گردآوری، تحلیل و نشر داده‌های مرتبط با صنعت.

○ نقشه‌برداری از ذینفعان کلیدی، تحلیل و تجزیه مسئولیت‌های و نقش‌ها آن‌ها.

○ تشکیل یک تیم چند رشته‌ای شامل کارشناسان در حوزه‌های مختلف (اقتصاد، فناوری، مدیریت، محیط‌زیست و ...) جهت طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌ها.

○ تدوین یک سند راهبردی متشکل از اهداف جزئی و کلان آزمایشگاه سیاست‌گذاری.

در پژوهش حاضر، برخی محدودیت‌ها فرایند گردآوری داده و تحلیل را با چالش مواجه ساخت. نخست آن‌که کمبود مطالعات داخلی در حوزه آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری و دشواری دسترسی به منابع علمی خارجی به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی، دامنه منابع قابل

اتکا را کاهش داد و ضرورت همکاری با پژوهشگران خارج از کشور را ایجاد کرد. علاوه بر این، دسترسی نامتوازن به آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری در مناطق مختلف کشور و ناهماهنگی سیاست‌های حمایتی و قانونی با نیازهای واقعی این حوزه، امکان بررسی میدانی گسترده‌تر و تحلیل دقیق عوامل اثرگذار بر موفقیت یا ناکامی این آزمایشگاه‌ها را محدود نمود.

با توجه به این محدودیت‌ها، انجام پژوهش‌های تکمیلی ضروری به نظر می‌رسد. نخست آن که مطالعات تطبیقی میان‌کشوری با تمرکز بر کشورهای نظیر هند و ترکیه می‌تواند به شناسایی الگوهای موفق، عوامل نهادی اثرگذار و روش‌های کارآمد پیاده‌سازی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری کمک نماید و زمینه‌ساز بومی‌سازی این تجارب در ایران باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به توسعه مدل‌های جامع ارزیابی کارایی و سنجش میزان اثربخشی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری در ارتقای نوآوری، توسعه صنعتی و رشد اقتصادی بپردازند؛ مدل‌هایی که می‌تواند ابزار لازم برای تصمیم‌سازی علمی و بهبود مستمر عملکرد این آزمایشگاه‌ها را فراهم آورد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از زحمات خبرگان شرکت کننده در تحقیق حاضر تشکر و تقدیر به عمل می‌آید.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

این نشریه دارای دسترسی باز است و اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

منابع

- الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح. (۱۴۰۳). *فرآیند سیاست‌گذاری عمومی*. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی: تهران.
- بهرانی، طاهره؛ پورعزت، علی؛ منواریان، عباس. (۱۴۰۱). کاربرد رویکرد کیفی فرا-ترکیبی برای ارائه یک الگوی طراحی برای آزمایشگاه سیاست‌گذاری. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۱۳(۱)، ۹۷-۱۱۵.
- پناهی، فائزه و قاسمی، محمدصادق. (۱۴۰۳). طراحی فرآیند آزمایشگاه سیاسی با رویکرد آینده نگاری

- راهبردی. فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۱۷(۱)، ۳۸-۱۹.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۴۰۱). آزمایشگاه سیاست‌گذاری: برای آزمودن سیاست‌های عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی نوری، سروش؛ نصیری، حامد و آقایی، پروانه. (۱۴۰۰). آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری مفاهیم، ابزارها و کاربردها. موسسه پژوهش‌های ملی سیاست علم: تهران.
- کشاورز، سوزان و شهامت، نادر. (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری و مدل‌های مختلف سیاست‌گذاری. چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم آموزشی و مطالعات اجتماعی.
- Agénor, P. R., & Dinh, H. T. (2013). *Public policy and industrial transformation in the process of development*. World Bank Policy Research Working Paper, 6405.
- Akhdiyat, H. R., Sarjan, M., & Sjah, T. (2025). Evaluation of laboratory waste management at Mataram University as a basis for preparing environmental pollution prevention policies. *Journal Pinar MiPad*, 20(1), 173–178.
- Alderdice, J. (2013). Impeding local laboratories: Obstacles to urban policy diffusion in local government law. *Harvard Law & Policy Review*, 7, 459–488.
- Bhattacharya, S. (2024). *Enhancing industry-academia collaboration: A policy perspective on current challenges and future directions*. <https://doi.org/10.35542/osf.io/tjy8>
- Borhani, T., Monavarian, A., Pourezzat, A., & Ostadalidehaghi, R. (2024). Presentation of the public policy laboratory design model. *Scholars Journal of Economics, Business and Management*, 2, 52–62.
- Charmaz, K. (2015). Grounded theory. In *Qualitative psychology: A practical guide to research methods* (3rd ed., pp. 53–84).
- Corbin, J. (2017). Grounded theory. *The Journal of Positive Psychology*, 12(3), 301–302.
- da Silva Junior, A. C., Elmendorf, M. L., Lauriano, N. G., & Silva, M. A. C. (2024). Innovation laboratories and barriers to intrapreneurship in governments. *Cadernos Gestão Pública e Cidadania*, 29, 90–107.
- Dao, V. P., Nguyen, T. L., Bui, V. H., Tran, V. H., Phan, P. N. T., & Nguyen, M. D. (2025). Development of a laboratory-based learning model via digital platform environment. *Frontiers in Education*, 9, 1495724.
- De Marchi, G., Lucertini, G., & Tsoukiàs, A. (2016). From evidence-based policy making to policy analytics. *Annals of Operations Research*, 236(1), 15–38.
- Gelaw, M. T., Azene, D. K., & Berhan, E. (2024). Assessment of critical success factors, barriers, and initiatives of total productive maintenance in selected Ethiopian manufacturing industries. *Journal of Quality in Maintenance Engineering*, 30(1), 51–80.

- Ghodsi, M., Astrov, V., Grieveson, R., & Stehrer, R. (2018). *The Iranian economy: Challenges and opportunities*. Vienna Institute for International Economic Studies.
- Hayward, G., Tissier, J. L., & Postma, M. (2025). Stakeholders' views. *World Antimicrobial Awareness Week*, 42.
- Howlett, M., Ching, L., & Kiat, T. S. (2025). Soft, big data: Use and limitations in policymaking. In *Handbook on governance and data science* (pp. 75–92). Edward Elgar Publishing.
- Lewis, J. M. (2021). The limits of policy labs: Characteristics, opportunities, and constraints. *Policy Design and Practice*, 4(2), 242–251.
- Keshavarz, S., & Shahamat, N. (2021). Policymaking and various policymaking models. *Fourth International Conference on Psychology, Educational Sciences and Social Studies*, Hamadan. (In Persian). <https://civilica.com/doc/1450190>
- Khoobroo, M. T. K., & Ebrahimi, R. (2019). Critical success factors in planning public policies. *Strategic Studies of Public Policy*, 9(32), 2–23.
- Komatsu, T., Salgado, M., Deserti, A., & Rizzo, F. (2021). Policy labs challenges in the public sector: The value of design for more responsive organizations. *Policy Design and Practice*, 4(2), 271–291.
- Krogh, A. H. (2024). Policy labs on the fringes: Boundary-spanning strategies for enhancing innovation uptake. *Policy Design and Practice*, 7(1), 17–32.
- Minarro-Viseras, E., Baines, T., & Sweeney, M. (2005). Key success factors when implementing strategic manufacturing initiatives. *International Journal of Operations & Production Management*, 25(2), 151–179.
- Mouseli, A., Amiresmaili, M., Barouni, M., Samiee, S. M., & Vali, L. (2018). Challenges and barriers to the integration of laboratory services in Iran from laboratory experts' point of view. *Iranian Journal of Public Health*, 47(6), 884–892.
- Mutahhar, A. Y., Khanzada, T. J. S., & Shahid, M. F. (2025). Analyzing critical success factors using blockchain-based framework for intelligent transportation systems. *Frontiers in Blockchain*, 7, 1443207.
- Prebanić, K. R., & Vukomanović, M. (2023). Exploring stakeholder engagement process as the success factor for infrastructure projects. *Buildings*, 13(7), 1785.
- Rossoni, A. L., de Vasconcellos, E. P. G., & de Castilho Rossoni, R. L. (2024). Barriers and facilitators of university-industry collaboration for research, development, and innovation: A systematic review. *Management Review Quarterly*, 74(3), 1841–1877.
- Roy Ghatak, R., & Garza-Reyes, J. A. (2024). Investigating the barriers to Quality 4.0 adoption in the Indian manufacturing sector. *International Journal of Quality & Reliability Management*, 41(6), 1623–1656.
- Soltanzadeh, J., Taghavifard, M. T., & Sahebjamnia, N. (2014). Critical success factors in S&T policymaking using confirmatory factor analysis and

- DEMATEL: A case study. *International Journal of Technology, Policy and Management*, 14(4), 305–326.
- Stock, A. (2025). *Productive capacities development: Challenges and opportunities*.
- Tziakou, E., Fragkaki, A. G., & Platis, A. N. (2023). Identifying risk management challenges in laboratories. *Accreditation and Quality Assurance*, 28(4), 167–179.
- Vicente, J., & Vicente, J. (2018). Opportunities and weaknesses of cluster policy. In *Economics of clusters: A brief history of cluster theories and policy* (pp. 85–103).
- Weisenfeld, F., & Lewis, M. R. (2024). Human resource management in the laboratory: An important component of financial management. In *Clinical Laboratory Management* (pp. 408–415).